

## درس اول: نغمه

- ۱- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): نکوهش آسودگی و بی‌دردی مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.
- ۲- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): ضرورت تربیت و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به پختگی مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.
- ۳- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): درمان‌ناپذیری درد عشق مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: توأم بودن درد و درمان در راه عشق
- ۴- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): کام‌یابی در دنیا امری ناممکن است. مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: بازگشت به اصل
- ۵- (۴) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۴): کشش به سوی عالم معنا / عشق موجب کمال است.  
**مفهوم سایر گزینه‌ها:**  
۱) عاشق واقعی نایاب است.  
۲) اظهار خاکساری و فروتنی در برابر معشوق  
۳) دعوت به راستی و اخلاص
- ۶- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): بازگشت به اصل (جهان متعالی، حقیقت وجود، خدا)  
**مفهوم سایر گزینه‌ها:**  
۱) ترجیح مخاطب بااستعداد و مفید بر مخاطب بی‌ثمر  
۳) دعوت به حرکت و تلاش و تکاپو و امیدواری  
۴) دعوت به این‌که از نشانه‌های پروردگار به سوی او برویم.
- ۷- (۲) معنی عبارت سؤال: هر چیز به ریشه‌ی خود بازمی‌گردد. / پیام سه گزینه‌ی دیگر هم، مانند عبارت، «بازگشت به اصل» است که با توجه به مضمون عرفانی عبارت و گزینه‌ها می‌توان آن را «بازگشت به سوی خدا» تعبیر کرد. هرچند گزینه‌ی (۲) هم به ارتباط اصل و فرع اشاره می‌کند، تقریباً مفهومی عکس مفهوم صورت سؤال دارد؛ گزینه‌ی (۲) اصل را پیرو فرع می‌داند، چنان‌که مادر (اصل) جویای فرزند (فرع) معرفی شده است.
- ۸- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): انسان بی‌بهره از عشق، سزاوار هلاکت است. مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند. گفتنی‌ست هرچند در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، مانند صورت سؤال از واژه‌های «سوخته» و «خام» استفاده شده، وجود این واژه‌ها به تنهایی باعث ارتباط معنایی نمی‌شود، بلکه لازم است تقابل مفهوم «پختگی» و «خامی» در ابیات دیده شود، نه الزاماً کلمات «پخته» (سوخته) و «خام».
- ۹- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): همه‌گیر بودن عشق‌ورزی به معشوق مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.
- ۱۰- (۳) مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): نی، گویای حال عاشق و شرح‌دهنده‌ی راز عشق است.  
**مفهوم سایر گزینه‌ها:**  
۱) تنها، معشوق حقیقی‌ست که ماندگار است.

(۲) عاشق حقیقی هرگز از عشق سیراب نمی‌شود.

(۴) گرچه جان، تن را ادراک می‌کند و تن از جان آگاهی دارد و هیچ‌یک از دیگری پوشیده نیست، اما توانایی دیدن جان به هیچ چشمی داده نشده است؛ به بیان ساده‌تر یعنی در حقیقت، فاصله‌ای میان ظاهر و باطن عشق نیست، اما کسی اجازه‌ی دیدار جمال معشوق حقیقی را ندارد.

۱۱- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): انسان بی‌خبر از عشق، حال عاشق را درک نمی‌کند.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: آرزوی عاشق برای یافتن انسان هم‌درد

۱۲- (۳) در هر دو بیت، شاعر زندگی دنیوی را بی‌اهمیت می‌شمارد و برای از دست دادن آن تأسف نمی‌خورد.

۱۳- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): ارزش سخن و ماندگاری آن

مفهوم مشترک مصراع سؤال و سایر گزینه‌ها: رازداری عاشقانه

۱۴- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): بازگشت به اصل

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

۱) ضرورت توجه به موسیقی

۲) متفاوت بودن ظرفیت درک افراد

۴) جبر و نفی اختیار

۱۵- (۲) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) پخته: عاشق حقیقی، عارف/ خام: انسان بی‌خبر از عشق

۳) بی‌هوش: عاشق حقیقی، عارف/ هوش: عشق / گوش: عاشق حقیقی که توان شنیدن اسرار عشق را دارد. / زبان: سرّ عشق

۴) ماهی: عاشق حقیقی، عارف/ آب: عشق / بی‌روزی: انسان بی‌خبر از عشق

۱۶- (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): سخن، نشان‌دهنده‌ی راز درون است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

۱) از خود بی‌خودی عاشق

۲) ارزشمندی گل

۳) کشف راز عشق موجب هلاکت است.

۱۷- (۴) آرایه‌ی تضاد در سایر گزینه‌ها:

۱) بدحالتان  $\neq$  خوش‌حالتان

۲) پخته  $\neq$  خام

۳) زهر  $\neq$  تریاق

۱۸- (۳) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۳): بازگشت به اصل

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

۱) فروتنی موجب کمال است.

۲) ناپایداری قدرت دنیوی

۱۹- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): انسان بی‌بهره از عشق، روزگارش تباه می‌شود.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

۱) افشاگری «نی»

۲) عشق، باعث سوز و گداز دائمی‌ست.

۴) حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۲) خودشناسی مقدمه‌ی خداشناسی است.  
 (۳) دوست واقعی کسی است که عیب دوست را به او گوشزد کند.  
 (۴) آزمندی سبب خواری است.

**۳۰- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳):** یگانگی خداوند

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ناتوانی و عجز انسان از درک خداوند

- ۳۱- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳):** گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها نشانه‌ی قهر و خشم خدا و خوش‌بختی‌ها و شادکامی‌ها نشانه‌ی لطف خداوندند.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) عشق موجب ارزشمندی و کمال است.  
 (۲) بخشاینده‌ی خداوند  
 (۴) آفریده‌ها، نشانه‌های وجود خداوندند.

- ۳۲- (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴):** عامل حقیقی سربلندی‌ها و سرنوشتی‌ها اراده‌ی خداوند است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) روزی‌رسانی خداوند  
 (۲) ناشناختنی بودن شکوه و زیبایی خداوند؛ عدم امکان شناخت خداوند  
 (۳) روی‌گردانی از درگاه خدا موجب خواری و درماندگی است.

- ۳۳- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲):** مقام و مرتبه‌ی عاشق حقیقی قابل تصوّر نیست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: عدم امکان شناخت خداوند

**۳۴- (۲) بررسی سایر گزینه‌ها:**

- (۱) تو سزاوار ثنایی: الحمدلله (ستایش مخصوص خداوند است).  
 (۳) ملکا ذکر تو گویم: ایّاک نعبد (تنها تو را می‌پرستیم)؛ الحمدلله (ستایش مخصوص خداوند است) / تو ... خدایی: ربّ العالمین (خداوند جهانیان)  
 (۴) همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پیویم: ایّاک نستعین (تنها از تو یاری می‌خواهیم).

**نمایش**

- ۳۵- (۲) معنی درست واژه‌ها:** بحل کردن: حلال کردن (بهل: رها کن، بگذر) / هیمه: هیزم / صولت: شدت و تندی، هیبت

- ۳۶- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱):** بی‌خبری عاشقانه

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ازلی بودن عشق

**۳۷- (۴) فریاد**

عمل مشبّه به  
 ممذوف

**انسان**

مشبّه به  
 ممذوف

**هستی**

مشبّه  
 ممذوف

**دامن**

از متعلقات  
 مشبّه به، ممذوف

**انسان**

مشبّه به  
 ممذوف

**خاک**

مشبّه  
 ممذوف

**روح**

از متعلقات  
 مشبّه به، ممذوف

**انسان**

مشبّه به  
 ممذوف

**کلام**

مشبّه  
 ممذوف

**صولت**

ویژگی  
 مشبّه به، ممذوف

**انسان**

مشبّه به  
 ممذوف

**خشم**

مشبّه  
 ممذوف

- ۲۰- (۱) «نی‌نامه»** هجده بیت سرآغاز دفتر اول مولاناست که به رغم عدم شباهت به نیایش‌های متداول و مرسوم و مغایرت با دیگر آثار نظم و نثر فارسی، توجه به حق در تار و پود آن نهفته است و به همین دلیل نوعی «نیایش» به شمار می‌آید.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** در گزینه‌ی (۲)، از خاصیت نی، در گزینه‌ی (۳) از نوع ظرفیت انسان‌ها و در گزینه‌ی (۴) از قالب ادبی این اثر سخن به میان آمده که ربطی به نوع شعر ندارند؛ به علاوه، مثنوی «نی‌نامه» از تقید به قافیه آزاد نیست، یعنی وجود قافیه در آن اجباری است.

- ۲۱- (۳) مفهوم بیت سؤال:** انعطاف‌پذیری، همراهی با همه‌ی اقشار جامعه

- ۲۲- (۱) بیت، ردیف ندارد، زیرا دو واژه‌ی «باد» با وجود ظاهر یکسان، معنای متفاوتی دارند.**

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) کنایه: این که باد هم گرد کسی را پیدا نکند، کنایه از سرعت بسیار بسیار زیاد اوست، معادل کنایه‌ی امروزی «به گرد کسی نرسیدن».

(۳) جناس (تام): باد (مصراع اول): فعل دعایی به معنی «باشد»، باد (مصراع دوم): جریان هوا

(۴) کلمات قافیه: دو کلمه‌ی پایانی مصراع‌ها چنان که گفته شد، ظاهر یکسان، اما معنای متفاوت دارند؛ بنابراین، واژگان قافیه محسوب می‌شوند.

- ۲۳- (۳) «هوش» در نی‌نامه، به معنی «عشق» آمده است.**

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) نی: بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند

(۲) ماهی: هر که جز ماهی ز آیش سیر شد / هر که بی‌روزی‌ست روزش دیر شد  
 (۴) بی‌هوش: محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست

- ۲۴- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱):** شناخت‌های متفاوت و برداشت‌های شخصی افراد

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.

- ۲۵- (۱) مفهوم بیت سؤال:** نی با نغمه‌های سوزناک خود، اسرار نهفته‌ی عاشق ناکام را فاش می‌کند.

- ۲۶- (۱) جناس (تام):** پرده (اول): اصطلاح موسیقایی / پرده (دوم): حجاب، کنایه از آبرو

**درس دوم: مناجات**

- ۲۷- (۲) ترجمه‌ی آیه‌ی شریفه:** هر که را بخواهی عزیز می‌کنی و هر که را بخواهی خوار می‌گردانی.

مفهوم گزینه‌ی (۲): نکوهش خرسندی از گرفتاری دیگران  
 مفهوم مشترک آیه‌ی شریفه و سایر گزینه‌ها: عزت و ذلت در دست خداوند است. / سررشته‌ی همه‌ی امور در دست خداست.

- ۲۸- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲):** روزی خداوند، گسترده و فراگیر است.  
 مفهوم مشترک آیه‌ی شریفه و سایر گزینه‌ها: عزت و ذلت حقیقی انسان، به دست خداست.

- ۲۹- (۱) مفهوم مشترک آیه‌ی شریفه و گزینه‌ی (۱):** عزت و ذلت واقعی به دست خداوند است.

۳۸- (۴) مفهوم‌گزینیهی (۴): ضرورت اصلاح خود پیش از نصیحت دیگران مفهوم مشترک عبارت سؤال و دیگر گزینه‌ها: ضرورت راستی ورزیدن؛ راستی موجب رستگاری است.

۳۹- (۲) معنی درست واژه‌ها: بیغوله: ۱- ویرانه ۲- بیراهه / مَلاه‌ی: جمعِ مله‌ی، آلات لَهو، بازیچه‌ها (مناهی: جمع منهی، نهی شده‌ها) / کَتم: پنهان داشتن، پوشیدگی / انحطاط: فروآمدن، فروافتادن، پست شدن، پستی

۴۰- (۱) املاک درست واژه در سایر گزینه‌ها:

(۲) إلفا: تفهیم کردن، آموختن ( إلفا: لغو کردن)

(۳) ردیلت: بدی، پستی

(۴) بیغوله: خرابه، ویرانه

۴۱- (۴) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۴): نکوهش کوچک شمردن گناه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌ارزشی دنیا

(۲) گفازندگی آه عاشق

(۳) طلب لطف و عنایت از معشوق

۴۲- (۳) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۳): سیرت نیکو داشتن مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) آگاهی خداوند از باطن انسان‌ها

(۲) طلب لطف و عنایت از معشوق

(۴) جلوه‌گری خداوند در وجود انسان

۴۳- (۱) املاک درست واژه: مناعت: بلندنظری

۴۴- (۱) املاک درست واژه: دنائت: پستی، حقارت (مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن)

۴۵- (۴) با توجه به گزینه‌ی (۴)، گوینده‌ی دعا از این صفات دوری می‌طلبید: طمع‌ورزی: پروردگارا، از خصلت طمع ... به تو پناه می‌آورم. / بدخلقی: پروردگارا! از بدخویی ... به تو پناه می‌آورم. / شهوت‌طلبی: پروردگارا! از لجاج شهوت ... به تو پناه می‌آورم.

۴۶- (۴) املاک درست واژه‌ها: حمیت: مردانگی، غیرت (حمایت: پشتیبانی / همت: تلاش) / مَلاه‌ی: جمعِ مله‌ی، آلات لَهو و بازی و سرگرمی (مناهی: جمعِ منهی: نهی شده‌ها) / بیغوله: ویرانه، خرابه / دنائت: پستی، حقارت (مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن)

۴۷- (۴) این‌که گوینده از خداوند می‌خواهد به او کمک کند تا موجودی «خویشتن‌دوست» نباشد، بیان‌گر تمایل او به «ترک خودبینی و خودخواهی» است.

۴۸- (۳) املاک درست واژه در سایر گزینه‌ها:

(۱) صولت: هیبت، حمله

(۲) حَمیت: مردانگی، غیرت (حمایت: پشتیبانی / همت: تلاش)

(۴) فِراق: دوری، جدایی (فُراق: آسایش)

۴۹- (۳) مفهوم‌گزینیهی (۳): گاهی ظاهر ناخوشایند امور، نتیجه‌ی پسندیده به دنبال دارد.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: صداقت و اخلاص موجب رسیدن به کمال است.

۵۰- (۴) مفهوم‌گزینیهی (۴): لازمه‌ی عاشقی، ترک وجود بی‌ارزش مادی‌ست. عشق موجب ارزشمندی‌ست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: عشق موجب جریان زندگی در جهان هستی‌ست.

۵۱- (۴) املاک درست واژه: ناهنجار: غیرعادی، غیرطبیعی

### ♦♦♦ درس سوم: در آمدن بر ادبیات حماسی ♦♦♦

۵۲- (۱) در گزینه‌ی (۱) زمینه‌ی «خرق عادت» برجسته است: به آسمان رفتن کاووس

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) اشاره به جشن نوروز: زمینه‌ی ملی

(۳) اشاره به درفش کاوه: زمینه‌ی ملی

(۴) اشاره به رسوم پادشاهی: زمینه‌ی ملی

۵۳- (۲) برجسته بودن زمینه‌های ذکر شده در سایر گزینه‌ها ما را مجبور به انتخاب گزینه‌ی (۲) می‌کند؛ هرچند که رابطه‌ی علت و معلولی که از ویژگی‌های اصلی زمینه‌ی داستانی است، در این گزینه‌ها کاملاً آشکار است.

۵۴- (۱) «سیمرغ»، «دیو سپید»، «زال» و عمر هزار ساله‌اش، پدیده‌هایی غیرطبیعی‌اند که زمینه‌ی تخیلی و خرق عادت را در حماسه تقویت می‌کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) زمینه‌ی ملی، در بردارنده‌ی ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عقاید یک جامعه در مورد مسائل فکری و مذهبی و رخدادهای قهرمانی حماسه در جایگاه تاریخ خیالی یک ملت است.

(۳) زمینه‌ی قهرمانی: برجسته کردن شخصیت‌هایی‌ست که از دیدگاه مادی و معنوی برجسته‌اند.

(۴) زمینه‌ی داستانی: مجموعه‌ای از رخدادهایی‌ست که در بردارنده‌ی وصف‌ها، خطبه‌ها و تصویرها هستند.

۵۵- (۲) مفهوم‌گزینیهی (۲): گله از روزگار نامساعد

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) این‌که نقصان خوش‌تر از کمال باشد!

(۳) این‌که بخیل بهتر از کریم باشد!

(۴) ترجیح یأس بر امید؛ این‌که «یأس» طلب‌کردنی و خواستنی باشد.

۵۶- (۱) زور بازو همراه با قدرت تفکر، صفت قهرمان است؛ زیرا قهرمان حماسه انسانی‌ست که از نظر نیروی مادی (زور بازو) و نیروی معنوی (قدرت تفکر) از دیگران برتر است. نمونه‌ی این‌گونه قهرمانان، «رستم» در شاهنامه‌ی فردوسی‌ست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) زمینه‌ی ملی: تاریخ خیالی یک ملت است. حوادث تاریخی، نشان‌دهنده‌ی این زمینه است.

(۳) زمینه‌ی داستانی: در بردارنده‌ی وصف‌ها، خطبه‌ها و تصویرهاست.

(۴) زمینه‌ی خرق عادت: عوامل شگفت‌آور و تخیلی بیان‌گر این ویژگی حماسه‌است.

۵۷- (۳) حماسه: شعری‌ست داستانی با زمینه‌های قهرمانی، قومی و ملی که حوادثی خارق‌العاده (فراتر از باور) در آن جریان دارد.

شعر حماسی، شعری عاطفی نیست و شاعر، عواطف و احساسات شخصی خود را در آن وارد نمی‌کند، بلکه عواطف و احساسات مردم مختلف یک روزگار را در قالب اشعار حماسی بیان می‌کند.

کودک در خوره

۵۸- (۳) بیت‌گزینیه‌ی (۳) به شکایت و تظلم (دادخواهی) کاوه در بارگاه ضحاک اشاره دارد و در آن، حرفی از دعوت کاوه و همراهی مردم نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بر او انجمن گشت بازارگاه

(۲) سوی لشکر آفریدون شدند

(۴) سپاهی بر او انجمن شد

۵۹- (۴) در محیطی که پادشاه بیدادپیشه‌ی ماردوش به‌وجود آورده بود، تاریکی و ظلم بر همه‌جا چیرگی داشت و کسی ایمن نمی‌توانست زیست:

نهان گشت آیین فرزنانگان / پراکنده شد نام دیوانگان

هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکاراگزند

شده بر بدی دست دیوان دراز / ز نیکی نبودی سخن جز به راز

در گزینیه‌ی (۴) هم اوضاع این‌طور تصویر شده است:

«فرشته صورت خود را پنهان کرده و شیطان زیبایی خود را که در حقیقت، چیزی جز زشتی نیست، عرضه می‌کند.»

همان‌طور که می‌بینیم، در هر دو شعر، راستی، پاکی و زیبایی گوشه‌نشین شده و ناراستی، زشتی و ناپاکی غالب شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مفهوم بیت: پرهیز از «تفرقه» به معنی پراکندگی خاطر و آشفتگی خیال؛ مصراع دوم این بیت، بیشتر ترسیم‌کننده‌ی فضای حکومت فریدون پس از نابودی ضحاک است: به حکم آن که چو شد اهرمن سروش آمد (شد: رفت / اهرمن: شیطان / سروش: پیک خداوندی)

(۲) تقابل عشق و عقل: پرهیز عاشق از عاقلانه رفتار کردن؛ عاشق، مصلحت‌اندیش نیست.

(۳) خوبی و بدی جمع‌ناپذیرند. مصراع دوم این بیت نیز بیشتر یادآور فضای جامعه پس از نابودی ضحاک و به پادشاهی رسیدن فریدون است، به شرط این‌که مصراع را همین‌طور که هست بخوانیم و به فکر نیفتیم که با اضافه کردن دو تا ویرگول ناقابل بعد از «دیو» و «فرشته» هرچه را شاعر می‌خواسته بگوید، کاملاً وارونه کنیم!

۶۰- (۴) پیش از آن‌که ضحاک به پادشاهی ایران دست یابد، جمشید

فرمان‌روای کشور بود. وی برخی از فنون و کارها را به جهانیان آموخت، اما چون سال‌ها گذشت، به تدریج، خودبینی و ناسپاسی به یزدان، بر او چیره شد، چندان که سرانجام گفت: «مرا خواند باید جهان‌آفرین» و به همین سبب فرّه شاهی از وی دور شد؛ نام‌جویان به گردن‌کشی پرداختند و به ضحاک گرویدند و جمشید گریخت و پس از سال‌ها ضحاک او را به چنگ آورد و با آره به دو نیم کرد.

۶۱- (۳) مفهوم گزینیه‌ی (۳): نکوهش ناسپاسی در برابر خداوند؛

ناسپاسی نسبت به خداوند موجب تشویش خاطر و سلب آرامش روحی‌ست.

مفهوم مشترک ابیات سؤال و سایر گزینه‌ها: در تمام این ابیات اوضاع اجتماعی‌ای ترسیم می‌شود که در آن همه‌ی ارزش‌ها واژگونه شده‌اند و زشتی و پلیدی و بدی بر زیبایی و درستی و راستی چیره شده است. (دوران پادشاهی ضحاک)

۶۲- (۳) پور آبتین: فریدون که پدرش، آبتین، به دست ضحاک گرفتار شد و مغز سرش را به ماران ضحاک دادند.

مرد آهنگر: کاوه؛ چهره‌ای انقلابی که به هواداری فریدون بر ضد پادشاه ظالم وقت، ضحاک، قد برافراشت.

شاه یزدان‌شناس: جمشید؛ پادشاه ایران قبل از ضحاک، که برخی از فنون و پیشه‌ها را به جهانیان آموخت، اما پس از مدتی به تدریج خودبینی و ناسپاسی نسبت به خداوند بر او چیره شد.

۶۳- (۱) مفهوم ابیات مطرح شده در گزینیه‌ی (۱): از بین رفتن

جوان‌مردی و وفاداری/ رونق یافتن زشتی‌ها و ناراستی‌ها

مفهوم سایر ابیات:

(ب) شکایت از بی‌عدالتی و تبعیض و عدم توجه پادشاه به حقوق رعیت

(د) گله‌مندی از به خطا رفتن همگان (اطاعت از ضحاک)

۶۴- (۴) مفهوم گزینیه‌ی (۴): هرکه رویی مانند تو داشته باشد، بدرفتاری

و خودبینی در پیش می‌گیرد.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: نکوهش غرور و سرانجام بد انسان مغرور

۶۵- (۴) مفهوم گزینیه‌ی (۴): حکمت خداوند، تعیین‌کننده‌ی اتفاقات و

پدیده‌هاست و اسرار آن هم، برای انسان‌ها ناشناخته است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: فراموش شدن ارزش‌های اخلاقی و رواج زشتی‌ها

۶۶- (۱) معنی بیت سؤال: هنگامی که در برابر خداوند غرور ورزید

(نسبت به او نافرمان شد و حتی ادعای خدایی کرد)، پادشاهی او با شکست مواجه گردید و به بدبختی دچار شد.

۶۷- (۲) معنی واژه: یکایک: ناگهان

معنی بیت: در همان هنگام، ناگهان از دربار پادشاه، صدای فریاد ستم‌دیده [ای] بلند شد.

۶۸- (۱) آبتین: پدر فریدون، شخصیت محبوب و دادگر شاهنامه بود که

مغز سرش غذای ماران شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) سیاوش: فرزند کاووس، که در سرزمین توران کشته شد.

(۳) کی خسرو: فرزند سیاوش از فرنگیس

(۴) کاووس: پادشاه خودخواه سلسله‌ی کیانی، پدر سیاوش

۶۹- (۴) مفهوم گزینیه‌ی (۴): ضحاک از کاوه می‌خواهد شرح ستمی را

که به وی رفته است بازگو نماید.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: کاوه بدون توجه به قدرت و جایگاه ضحاک به شکایت و تظلم از وی می‌پردازد. / از جان گذشتن موجب بی‌پروایی

۷۰- (۳) معنی درست واژه: یکایک: در این بیت به معنی ناگهان،

یک‌باره

۷۱- (۳) «یکایک» در این بیت و بیت سؤال به معنی «ناگهان،

یک‌باره»

بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های دیگر «یکایک» به معنای «یک‌به‌یک

و به ترتیب» آمده است.

## ۷۲- (۳) آرایه‌ی اغراق در سایر گزینه‌ها:

(۱) آیا توجه به ابیات قبل در شاهنامه! این که تیر و شمشیری که از سر بام‌ها فرومی‌ریزد، به فراوانی قطرات باران باشد، اغراق دارد.

(۲) این که اسب به قدری تندرو باشد که خاک نعل او تا کره‌ی ماه برسد، بیانگر آرایه‌ی اغراق است.

(۴) این که شخص مورد بحث، به حدی قدرتمند باشد که یک دنیا مخالف را با شمشیر نابود کند و تخت پادشاهی خود را بر پشت ابرها قرار دهد، بیانی اغراق آمیز است.

## ۷۳- (۴) آرایه‌ی کنایه در سایر گزینه‌ها:

(۱) هوای کسی یا چیزی کردن کنایه از علاقه و تمایل به او (آن) داشتن / سر از بند کسی یا چیزی بیرون کردن کنایه از رها شدن از او (آن)

(۲) نهان گشتن آیین کسی کنایه از منسوخ شدن باورهای او / پراگنده (پراکنده) شدن نام کسی کنایه از رواج پیدا کردن شیوه‌ی رفتار و باورهای او

(۳) گرد برخاستن در این جا کنایه از ازدحام جمعیت

۷۴- (۲) «خسرو شدن» کنایه از قدرتمندی است. / معنی مصراع دوم: هنگامی که به سلطنت (قدرت) رسیدی، برای بندگی و افتادگی در مقابل خداوند، تلاش کن. / مفهوم مصراع دوم: لزوم بندگی هنگام قدرتمندی

۷۵- (۲) معنی بیت: شیطان صفتان آزادانه مرتکب رفتارهای زشت می‌شوند و از نیکوکاری - جز به صورت پنهانی - خبری نبود.

دقت کنیم! در مصراع (۲) سخن از این است که «ابراز نیکی در جامعه وجود نداشت»؛ اگرچه، علت این «عدم ابراز نیکی» با توجه به خفقان حاکم بر جامعه - آن هم از نوع ضحاک‌اش - این بوده که «کسی جرأت افشای حقایق را نداشت» (گزینه‌ی ۴)؛ بنابراین، آنچه به صورت مستقیم از بیت سؤال برداشت می‌شود، تنها گزینه‌ی (۲) است و گزینه‌ی (۴) دلیل منسوخ شدن نیکی‌ها را بیان می‌کند.

۷۶- (۴) «سبک» در ابیات سؤال و گزینه‌ی (۴): سریع، به سرعت

معنی واژه‌ی سبک در سایر گزینه‌ها:

(۱) آهسته (۲) کم‌وزن (۳) کم

۷۷- (۲) «دست بر سر زدن» - که نشانه‌ی ستم‌دیدگی است - و «دادخواه»، نشان‌دهنده‌ی مفهوم «تظلم و دادخواهی» اند.

۷۸- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): دادگری و بخشندگی به فرمان خداوند

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: سرکشی و ناسپاسی نسبت به خداوند

۷۹- (۴) «ببویید» به معنی «برخیزید» مستقیماً نشان‌دهنده‌ی دعوت کاوه از مردم برای قیام علیه ضحاک است.

۸۰- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱): عقل، سامان‌دهنده‌ی امور است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: جابه‌جایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها «بریده دل» معمولاً به معنی «قطع امید کرده» و در گزینه‌ی (۱)

کنایه از «بی توجه و بی اعتقاد» است، گرچه، مناسب‌تر است «بریده دل» را در این گزینه، محقق (کوتاه‌شده‌ی) جمله‌ی «دل بریده‌اید» بدانیم و نه صفت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) نیابم تپش: مضطرب و نگران نمی‌شوم

(۳) براندیشم: می‌ترسم. (نه ... براندیشم: نمی‌ترسم.)

(۴) درنگ آوریم: صبر کنیم

۸۲- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): عدالت موجب ارزشمندی است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: رنج دیدن و آزرده‌گی

۸۳- (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): سرکشی نسبت به خداوند موجب نابودی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تغییر اثر عناصر طبیعی به خواست خداوند

(۲) دعوت به قیام علیه حاکم بیدادگر و کافر

(۳) لزوم تواضع قدرتمندان در برابر خداوند

۸۴- (۲) فریدون، فرزند آبتین (که مغزش غذای ماران ضحاک شد)،

به جهت ترس از ضحاک، در کودکی به‌دست مادرش به غاری برده شده و در آن جا پرورش یافت. او از چهره‌های محبوب و دادگر حماسی در شاهنامه است و پرورش او در غار شبیه به پرورش ابراهیم (ع)، پیامبر بزرگ الهی است.

۸۵- (۳) معنی بیت: با وجود پادشاهی و ازدهاپیکر بودن، باید به این قضیه (ظلمی که بر من وارد شده) رسیدگی کنی.

دقت کنیم! نکته‌ی مهم در تشخیص گزینه‌ی درست این است که منظور از «این داستان» (قضیه‌ای که باید به آن رسیدگی شود)، ازدهاپیکر بودن ضحاک نیست، بلکه منظور، ستم‌دیدگی کاوه‌ی آهنگر است که مغز سر چندین فرزندش خوراک ماران ضحاک شده بود.

۸۶- (۴) تضاد: هنر ≠ جادویی / خوار ≠ ارجمند / نهان ≠ آشکارا / راستی ≠ گزند

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بدی ≠ نیکی

(۲) نهان ≠ پراگنده / فرزانتگان ≠ دیوانگان

(۳) دشمن ≠ دوست

۸۷- (۲) مفهوم مشترک مصراع سؤال و گزینه‌ی (۲): هم‌زمانی حضور

نیکوکاران و نابودی ستمکاران

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ناشکری موجب اضطراب است.

(۳) سرکشی نسبت به خداوند موجب نابودی است.

(۴) دعوت به عدالت

۸۸- (۱) محضر: ۱- استشهدانامه ۲- محل حضور / مظهر: محل

ظاهر شدن

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) آبن: حوضچه، حوض کوچک

(۳) دادپیشگی: عدالت

(۴) خوالیگر: خورش‌گر، آشپز

۸۹- (۲) دقت کنیم! «لرزان» بودن کاوه در این تصویر به دلیل شدت

خشم او بوده است و نه از روی ترس.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) خشم: خروشیدن، از جا برجستن

(۳) شجاعت: خروشیدن، از جا برجستن، محضر (استشهدانامه) را دریدن و

آن را پای‌مال کردن

(۴) اعتراض: خروشیدن





۱۰۰- (۱) شروع شعر عاشقانه را باید قرن چهارم دانست و رشد و باروری آن را در تغزلات زیبای رودکی و شهید بلخی و رابعه بنت کعب جست‌وجو کرد. در قرن «پنجم»، تغزل در شعر فرّخی کمال می‌یابد و رفته‌رفته غزل به عنوان یک نوع خاص، مورد توجه شاعران - از جمله قصیده‌سرایان - قرار می‌گیرد. از اوایل قرن ششم، اصطلاحات صوفیه با پیش‌گامی «سنایی» به حوزه‌ی غزل راه می‌یابد و نوع عارفانه‌ی آن که در قرون بعد به وسیله‌ی مولانا و حافظ به کمال می‌رسد، محصول این قرن است.

۱۰۱- (۲) تحمیدیه، مناجات، هزل، شکوائیه، داستان‌های بلند و کوتاه و ترجمه‌های موفق در قالب نثر، جزء ادبیات غنایی هستند.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ادبیات تعلیمی: یک «نوع ادبی» با محتوای تعلیم و آموزش است که دانش‌نامه‌ها، لغت‌نامه‌ها و نظایر این‌ها را در خود جای داده است.  
(۳) ادبیات توصیفی: به وصف جنگاوری‌ها، رشادت‌ها، عناصر طبیعت و مانند این‌ها می‌پردازد. کلیله و دمنه، گلستان سعدی و مرزبان‌نامه از این گونه‌اند.  
(۴) ادبیات داستانی: ماهیت تخیلی یا نمادین دارد و انواع قصه‌ها با مضامین مختلف را در خود جای داده است.

۱۰۲- (۳) مرتبه‌ها در حوزه‌ی ادبیات غنایی جای دارند. رودکی، سعدی، خاقانی و محتشم کاشانی از سُر‌بندگان مرتبه در این حوزه‌اند.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ادبیات حماسی: شرح رشادت‌ها و دل‌آوری‌های یک ملت است.  
(۲) ادبیات پایداری: نوشته یا سروده‌ای که نشان‌گر مبارزه‌ی ملت‌ها در برابر عوامل استبداد داخلی یا خارجی است.  
(۴) ادبیات انقلاب اسلامی: آثاری است با نگاهی تازه به انسان و جهان با استفاده از روایت‌ها و نمادهای ملی، تاریخی و دینی.

۱۰۳- (۱) سنایی، شاعر بزرگ قرن ششم و پیش‌گام در وارد کردن عرفان و اصطلاحات صوفیه به شعر است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) رودکی: از پدیدآورندگان نمونه‌ی موفق تغزل (غنایی) در قرن چهارم (باروری اشعار عاشقانه در آثار رودکی، شهید بلخی و رابعه بنت کعب)  
(۳) مولوی: کامل‌کننده‌ی عرفان پس از سنایی در قرن هفتم  
(۴) فرّخی: از پدیدآورندگان نمونه‌ی موفق مدیحه‌سرایان (غنایی) در قرن پنجم (تغزل در شعر فرّخی به کمال می‌رسد).

۱۰۴- (۲) داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی، برابر است با شعر نمایشی در ادب اروپایی که با نظامی شاعر سده‌ی ششم پرورده می‌شود. «خسرو و شیرین» نظامی نمونه‌ی این برابری است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) لیلی و مجنون: از مجموعه‌ی هفت‌اورنگ جامی که به تقلید از آثار خمسه‌ی نظامی در قرن نهم نوشته شده است.  
(۳) منطق‌الطیر: از عطار نیشابوری که منظومه‌ای عرفانی است.  
(۴) ویس و رامین: از فخرالدین اسعد گرگانی، منظومه‌ای است عاشقانه مربوط به قرن پنجم.

۱۰۵- (۱) داستان‌های عاشقانه‌ی نظامی، از جمله «لیلی و مجنون» مساوی‌ست با شعر نمایشی در اروپا. این گزینه، نباید با «لیلی و مجنون» جامی اشتباه شود. اثر جامی تقلیدی از اثر نظامی است.

۹۰- (۳) معنی بیت سؤال: شیوه‌ی خردمندان متروک شد و بی‌خردان نام‌آور و مشهور شدند.

۹۱- (۲) در بیت سؤال، از فقر و بینوایی مردم سخنی به میان نیامده است.  
بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌اعتنایی به کار و دانش: هنر خوار شد  
(۳) اعتبار یافتن دغل و دروغ: جادویی ارجمند [شد]  
(۴) تجاوز و تعدی علنی به حقوق مردم: آشکارا [شد] گزند  
۹۲- (۴) اقدامات مردم در مقابل بیداد ضحاک به ترتیب:

(۱) اقدام دو تن مرد پارسا به خوالیگری (آشپزی) و بر عهده گرفتن خورش‌خانه (آشپزخانه‌ی ضحاک (گزینه‌ی ۴)  
(۲) قیام کاوه علیه بیداد (ظلم) پادشاه و رفتن او به یاری فریدون (گزینه‌ی ۳)  
(۳) نجات دادن فریدون (گزینه‌ی ۱)  
(۴) قیام فریدون علیه ضحاک (گزینه‌ی ۲)

۹۳- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): لزوم فروتنی بزرگان  
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) پرهیز از تنبلی  
(۳) از پدیده‌های زشت نمی‌توان انتظار زیبایی داشت.  
(۴) تکبر مانع بهره‌مندی است.

۹۴- (۱) «مهتر» در لغت به معنی «برتر، سرور و فرمان‌روا» است و منظور از آن در بیت سؤال، «ضحاک» است.

۹۵- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): سکوت موجب رهایی است.  
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: تسلط ظلم و ستم بر جامعه

### درس پنجم: درآدم بر ادبیت غنایی

۹۶- (۴) در قرن پنجم شاعرانی چون عنصری، فخرالدین اسعد گرگانی و عیوقی به سرودن منظومه‌های عاشقانه پرداختند، ولی کمال این نوع شعر را باید در آثار نظامی، شاعر قرن ششم جست‌وجو کرد.

۹۷- (۴) «ابومسلم‌نامه» نمونه‌ی نثر حماسی است.

دقت کنیم! داستان‌ها، شرح رویدادها، سفرنامه‌ها و گزارش احوال شخصی و ... از نوع نثر غنایی به شمار می‌آیند که از آن جمله، نمونه‌هایی چون سمک عیار تألیف فرامرز بن خداداد آرجانی، هزار و یک شب عبداللطیف طسوجی، سفرنامه‌ی ناصر خسرو، شرح زندگانی من از عبداللّه مستوفی، روزها از دکتر اسلامی ندوشن، آثار جمال‌زاده، هدایت و جلال آل‌احمد را می‌توان نام برد.

۹۸- (۳) در قرن پنجم، شاعرانی مانند «فخرالدین اسعد گرگانی، عنصری و عیوقی» منظومه‌های عاشقانه‌ای سروده‌اند که با شعر نمایشی در اروپا برابری می‌کند، اوج این هنر در آثار نظامی است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) رودکی (مرتبه)، ناصر خسرو (سفرنامه): غنایی  
(۲) فرّخی و منوچهری (مدیحه): غنایی  
(۴) حافظ و رضی‌الدین آرمینی (ساقی‌نامه): غنایی  
۹۹- (۳) هزار و یک شب: عبداللطیف طسوجی

پیروی نکن! / تو [به منزله‌ی] شیرِ قدرتمند و محبوبِ پادشاه هستی، [بنابراین مانند] سگ دربان [پست و فرومایه] نباش.

۴) الف- انسان‌های مورد توجه ویژه خداوند همیشه رنج‌های بسیار را تحمل کرده‌اند. / آنان کسانی بوده‌اند که [هم بیشتر از دیگران مورد توجه خداوند بوده‌اند] و هم بیشتر از آنان [رنج آکشیده‌اند].

ب- ای [عاشق] که در سرزمین عشق محرم هستی، صبور باش! / [بدان که] ستم زیبارویان همیشه نصیب عاشقان هم‌راز و محرم می‌شود! / مفاهیم مطرح در گزینه‌ی (۱):

(۱) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند؟! / تقابل عشق و شکیبایی / بی‌کرانگی عشق

عشق دردانه‌ست و من غواص و دریا می‌کند / سر فروردم در این جا تا کجا سر برکنم؟! / ارزشمندی عشق / بی‌کرانگی عشق

دو بیت این گزینه با توجه به مفهوم «بی‌کرانگی عشق» متناسب‌اند و با توجه به «تقابل عقل و عشق» تناسب معنایی ندارند.

مفاهیم مطرح در گزینه‌ی (۳):

۳) تو را ز کنگره‌ی عرش می‌زند صفر / ندانمت که در این دامگه چه افتاده‌ست؟! / بازگشت به اصل / لزوم آگاهی از ارزش والای انسانی و حفظ آن / پیکِ دلی؛ پیرو شیطان مباش / شیر امیری؛ سگِ دربان مباش؛ لزوم آگاهی از ارزش والای انسانی و حفظ آن

دو بیت این گزینه با توجه به مفهوم «لزوم آگاهی از ارزش و جایگاه والای انسانی و حفظ آن» متناسب‌اند و با توجه به مفهوم «بازگشت به اصل» تناسب معنایی ندارند.

۱۱۲- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): شیرین بودن

دشواری‌های عشق برای عاشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) هر چیز، ارزش خود را دارد.

(۳) تقابل عشق با عقل و دین

(۴) گله از بی‌وفایی معشوق

۱۱۳- (۲) در حقیقت، مفهوم «بلاکشی عاشقانه» در بیت سؤال و

همه‌ی گزینه‌ها به چشم می‌خورد، اما ظاهراً در گزینه‌ی (۲) تأکید بر «پایداری عاشق در عشق» است.

۱۱۴- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): همگانی بودن درد عشق

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: لزوم تحمل دشواری‌های راه عشق

۱۱۵- (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): توانایی عشق و

تسلطش بر عاشق و در نتیجه‌ی آن رهایی‌ناپذیر بودن عشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) شادخواری و خوش‌باشی

(۲) هرکسی، بر اساس ظرفیت و نیازهای خود، مسائل را درک می‌کند.

(۳) عشق پنهان‌کردنی نیست.

۱۱۶- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): غنیمت شمردن وصال معشوق

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: رهایی از عشق غیرممکن است.

۱۱۷- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): رهایی‌ناپذیری عاشق از عشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: تقابل عقل و عشق

۱۰۶- (۱) در قرن پنجم، سرودن اشعار عاشقانه به وسیله‌ی شاعرانی چون فخرالدین اسعد گرگانی، عنصری و عتیقی آغاز شد، کمال این نوع شعر در آثار نظامی، شاعر قرن ششم دیده می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) حافظ: شاعر قرن هشتم / تغزل و عرفان

(۳) سعدی: شاعر قرن هفتم / تغزل و مرثیه

(۴) فخرالدین اسعد گرگانی: شاعر قرن پنجم / منظومه‌های عاشقانه

### درک کرانه ناپدید

۱۰۷- (۳) واژه‌های متضاد: پرسش ≠ جواب /

سر به زیر افکنده بودن ≠ سریالا بودن (زیر ≠ بالا) / شیرین ≠ تلخ

بررسی واژه‌های متضاد در سایر گزینه‌ها:

(۱) شکر ≠ زهر / وصال ≠ جدایی

(۲) درد ≠ درمان / زخم ≠ مرهم

(۴) هستی ≠ مرگ

۱۰۸- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): پاسخ بدی را باید با نیکی داد. / نیکوکاری

با شخص بدکار

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: لذت رنج عاشقی

۱۰۹- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): وصال موجب رفع اندوه عاشق است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بلاکشی عاشق

۱۱۰- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱): گله از سخن ناهموار معشوق

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تحمل دشواری‌های راه عشق

۱۱۱- (۱) مفهوم مشترک در سایر گزینه‌ها:

(۲) جلوه‌گری معشوق عامل از خودبی‌عاشق است.

(۳) ضرورت شناختن ارزش و منزلت خویش

(۴) بلاکشی عاشق

نطای علمی سؤال: گزینه‌ی (۱) بر اساس نظر طراح سؤال، به عنوان پاسخ

درست معرفی شده، اما واقعیت این است که گزینه‌ی (۳) را نیز با توجه به معنی بیت‌ها و بنا به توضیحی که در ادامه می‌آید، نمی‌توان نادرست دانست. معنی بیت‌ها:

(۱) الف- عشق [مانند] دریایی بی‌کران است. / ای انسان خردمند! یقیناً هرگز نمی‌توانی آن را به پایان ببری.

ب- عشق [مانند] مروارید بی‌همتا است و من [مانند] غواص، و دریا [به منزله‌ی] میخانه است. / [آنکون] در دریای عشق فرورفته‌ام [و نمی‌دانم] کجا از آن بیرون خواهم آمد!

(۲) الف- از [همان] ابتدا [همواره] مراقب بودم که عاشق کسی نشوم، / [اما از وقتی که] چهره‌ی [زیبای] تو را دیدم، عقل و هوش [و احتیاط همیشگی برای عاشق نشدن] را از دست دادم.

ب- رفته‌ای و [البته که از خاطر] فراموش نمی‌شوی. / هنگامی که می‌آیی، آرام و قرارم را از دست می‌دهم.

(۳) الف- ای انسان! از بام قصر درگاه خداوندی تو را فرامی‌خوانند. / در شگفتم که در دنیای گرفتاری‌ها به دنبال چه هستی!؟

ب- تو [در حقیقت] پیام‌آور دل هستی؛ [بنابراین] از خواهش‌های نفسانی

**۱۲۶- (۲) آرایه‌ی تضاد در سایر گزینه‌ها:**

- (۱) خزان ≠ بهار
- (۳) روز ≠ شب
- (۴) گل (به عنوان نماینده‌ی فصل بهار) ≠ باد دی (به عنوان نماینده‌ی فصل زمستان) / گل ≠ خار

**من این هم نیستم**

**۱۲۷- (۲)** ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی عالم عارف قرن پنجم است. جلابی سفرهای زیادی کرد و به خدمت مشایخ بسیاری درآمد. اثر بزرگ او «کشف‌المحجوب» از جمله قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های فارسی در تصوف است. نثر کتاب او سلیس و پخته و از جمله نثرهای دوره‌ی سامانی است.

**درس پنجم: مناظره‌ی خسرو و فرهاد**

**۱۲۸- (۱)** مفهوم گزینه‌ی (۱): پشت‌گرمی عاشق به معشوق در رویارویی

با مشکلات

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: جان‌فشانی توأم با خودکم‌بینی عاشقانه!

**۱۲۹- (۲)** مفهوم گزینه‌ی (۲): صبر پیشه‌کردن عاشق!!! (حتماً توضیحات

بخش «خطای علمی سؤال» را بخوانید).

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: تقابل عشق و شکیبایی / بی‌قراری عاشق  
معنی بیت‌ها:

(۱) اینک از من انتظار [حفظ] شکیبایی، آرامش و عقل نداشته باش! / زیرا آن [همه] صبری که [در من] سراغ داشتی، از بین رفت.

(۲) هرچند شکیبایی من در [اندیدن] چهره‌ی معشوق غیرممکن است، / ناچار صبر می‌کنم؛ [البته] صبری [همانند] ماهی‌ای که از آب دور مانده باشد!

(۳) گفתי: در خیال دل‌بستگی به من شکیبا باش. / [شگفتا!] هنگامی این سخن را می‌گویی که صبر را از دل دیوانه‌ام گرفته‌ای!

(۴) ای معشوق گرامی! هر پندی که بدهی، می‌پذیرم، / [اما] مرا به شکیبایی [در جدایی از خودت] امر نکن؛ زیرا [هرگز] نمی‌توانم [در دوری تو شکیبا باشم].

**خطای علمی سؤال:** گفتیم که مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) مسلماً تقابل «عشق و شکیبایی» است؛ نکته این‌جاست که گزینه‌ی

(۲) نیز در واقع بیان زیرکانه‌ای از همین مفهوم است. سعدی با شیرین‌زبانی و در بیانی رندانه و متناقض‌نما می‌گوید: «اگرچه شکیبایی من در دوری از تو

غیرممکن است، ناچار صبر می‌کنم! از همان صبرها که ماهی به دور از آب می‌کند!!!» و این دقیقاً یعنی «حتی یک لحظه هم صبر نمی‌کنم!» این همان

نکته‌ی ظریفی‌ست که طراح سؤال از آن غافل مانده و تنها با تکیه بر این‌که فعل «همی [صبر] کنم» منفی نیست، مفهوم این بیت را متفاوت با سایر ابیات

پنداشته است!

**۱۳۰- (۲)** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): جان‌فشانی عاشق

در راه عشق / نهایت تلاش برای جلب رضایت معشوق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) تضرع و التماس عاشق در نزد معشوق

(۳) پایان‌ناپذیر بودن لذت وصال

(۴) نکوهش بی‌وفایی معشوق و تهدید به ناله و نفرین از سوی عاشق!

**۱۱۸- (۴) معنی درست واژه‌ها:** شرحه: پاره‌ی گوشتی که از درازا

بریده باشد (شرحه‌شرحه: پاره‌پاره) / ملهی: ابزار خوش‌گذرانی، آلت لهو، مفرد واژه‌ی «ملاهی» / خرق: شکافتن، پاره کردن، چاک زدن / شفاوت: بدبخت شدن، سخت‌دلی / توسنی: سرکشی، عصیان (≠ رام شدن)

**۱۱۹- (۴)** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): ضرورت تحمل

سختی‌های راه عشق برای رسیدن به مقصود

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) رهایی از عشق ممکن نیست.

(۲) پایان‌ناپذیری راه عشق / تقابل عشق و عقل

(۳) رهایی از عشق ممکن نیست.

**۱۲۰- (۴) آرایه‌ی تضاد در سایر گزینه‌ها:**

(۱) زهر ≠ تریاق

(۲) پخته ≠ خام

(۳) زشت ≠ خوب (زیبا) / زهر ≠ قند

**۱۲۱- (۴)** مفهوم گزینه‌ی (۴): لازمه‌ی عاشقی تحمل دشواری‌های

عشق است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) گرفتاری عاشق و رهایی‌ناپذیری از بند عشق

(۲) بی‌کرانگی عشق

(۳) رهایی‌ناپذیری عاشق

**۱۲۲- (۴)** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): رهایی‌ناپذیری

عاشق از عشق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) دعوت به عاشقی و جمال‌پرستی

(۲) سرکشی معشوق و وفاداری عاشق

(۳) تسلیم در برابر معشوق

**۱۲۳- (۱) تضاد: بنده ≠ حاکم / لطف ≠ قهر / می‌خوانی ≠ می‌رانی**

(۳ مورد)

**آرایه‌ی تضاد در سایر گزینه‌ها:**

(۲) خراب ≠ آباد (۱ مورد)

(۳) گدایی ≠ سلطنت / سایه ≠ آفتاب (۲ مورد)

(۴) دشنام و نفرین ≠ دعا / تلخ ≠ شکرخا (شیرین) (۲ مورد)

**۱۲۴- (۱) آرایه‌ی تضاد در سایر گزینه‌ها:**

(۲) دشمن ≠ دوست

(۳) رسیدم ≠ نرسیدم

(۴) بنشست ≠ برخاست / برخاست ≠ بنشست

**۱۲۵- (۴)** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): تسلیم در برابر

معشوق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) ترجیح‌گرفتاری عشق بر رهایی

(۲) لذت عاشقی

(۳) جفاکاری معشوق



۱۳۱- (۲) مفاهیم مطرح در گزینه‌ی (۲):

(الف) عاشق، معشوق را رها نمی‌کند.

(ب) عاشق به این دلیل معشوق را رها نمی‌کند که تازه وصال را تجربه کرده است.

(ج) دولت (ثروتمندی) حقیقی، وصال معشوق است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و دیگر گزینه‌ها: دل خوش بودن به کم‌ترین

بهره‌مندی از معشوق در صورت عدم امکان وصال

۱۳۲- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): دعوت به صبر پیشه کردن

مفهوم مشترک بیت سؤال و دیگر گزینه‌ها: تقابل عشق و صبر

۱۳۳- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): بی‌اعتنایی معشوق موجب عدم جان‌فشانی

عاشق است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: جان‌بازی عاشق

۱۳۴- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): جان‌بازی عاشق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) ستایش زیبایی معشوق و شرح غم دوری

(۲) آرزوی رسیدن به یار

(۴) یک لحظه را در کنار معشوق گذاردن بهتر از همه‌ی عمر است.

۱۳۵- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱): عاشق با وجود بی‌تابی باز هم صبر پیشه می‌کند.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ترجیح خود بر دیگران

۱۳۶- (۴) این که شاعر ادعا می‌کند، به دنبال ناچه آن قدر آهسته گام

برمی‌دارد تا مبادا گرد و غباری به محمل معشوق بنشیند، بیان‌گر «نهایت سعی

عاشق برای حفظ آرامش و راحتی معشوق» است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) تقاضای توأم با تهدید از معشوق!

(۲) ایستادگی سرو، نه به معنی آزادگی، بلکه نشانه‌ی وابستگی است.

(۳) اغراق در گریستن

۱۳۷- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): صبر و شکیبایی موجب گشایش امور است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: تقابل عشق و شکیبایی

۱۳۸- (۳) مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و گزینه‌ی (۳): دیدن ماه باعث

آشفته‌گی دیوانه می‌شود.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) غیرت‌ورزی عاشق

(۲) لذت عاشقی

(۴) عجز رقیب از مقابله با عاشق

۱۳۹- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): پایداری عاشق در راه عشق تا دم مرگ

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: پاک‌بازی و جان‌فشانی عاشق در

راه عشق

۱۴۰- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): ترجیح معشوق بر بهشت و لذت‌های

بهشتی

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) تداوم دیدن معشوق باعث افزایش عشق است.

(۳ و ۴) حضور همیشگی معشوق

۱۴۱- (۴) این که «دیدن هلال ماه دیوانه را آشفته‌تر می‌کند» از باورهای

گذشتگان بوده است.

معنی بیت: [خسرو] گفت: دوری از ماه (شیرین) شایسته نیست. [فرهاد]

گفت: دیوانه [همان] بهتر که از ماه دور باشد.

۱۴۲- (۱) این که «دیدن هلال ماه دیوانه را آشفته‌تر می‌کند» از باورهای

گذشتگان بوده است.

معنی بیت: چهره‌ی [خود] را برای من آشکار مکن، زیرا دیوانه طاقت دیدن

هلال ماه را ندارد.

۱۴۳- (۱) این که شاعر معشوق را صاحب اختیار خود می‌داند و تنها هر

چه را مورد پسند اوست، می‌پسندد، بیان‌گر پاک‌باختگی شاعر است.

۱۴۴- (۲) معنی گزینه‌ی (۲): [خسرو] گفت: اگر کسی به او دست پیدا

کند [چه خواهی کرد]؟ / [فرهاد] پاسخ داد: نابودش می‌کنم، هرچند بسیار

قدرتمند باشد. / مفهوم بیت: غیرت عاشق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) تقابل عشق و آسایش

(۳) غافل نشدن عاشق از یاد معشوق

(۴) جان‌بازی عاشق

۱۴۵- (۴) «آهن» مجازاً به معنی «تیشه» است که از آهن ساخته

می‌شود. در واقع شاعر به جای ذکر «تیشه»، از واژه‌ی «آهن» که به جنس

تیشه اشاره دارد استفاده کرده است.

۱۴۶- (۴) معنی بیت: [خسرو] گفت: [بیهوده] جان خود را برای او فدا

مکن، همین‌که دلت با اوست کافی است.

[فرهاد] پاسخ داد: این دو (دل و جان من) بدون حضور معشوق با هم (و با من)

دشمن‌اند.

## درس ششم: اکسیر عشق

۱۴۷- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): عاشق توانایی چشم

برداشتن از معشوق را ندارد.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) ترجیح معشوق بر همه‌ی زیبایی‌ها

(۲) بی‌قراری عاشق

(۴) جلوه‌گری معشوق

۱۴۸- (۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۱): آسودگی عاشق،

نشانه‌ی بی‌وفایی اوست. / تقابل عشق و آسایش

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۲) ترجیح یار وفادار بر خویشاوندان

(۳) پاک‌بازی و جان‌فشانی عاشق

(۴) تقابل زیبایی و وفاداری / بی‌وفایی در سرشت زیبارویان است.

۱۴۹- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): کمال‌بخشی عشق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

(۱) تأثیر زیبایی و سخنان معشوق در وجود عاشق / کام‌یابی

(۳) انعطاف‌پذیری / سازگاری و مدارا

(۴) تقابل عشق و عقل



۱۵۸- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): عشق موجب رسیدن به کمال است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) وصال، موجب آرامش است.
- (۲) شرح «دل از دست دادن» / عشق موجب فناست.
- (۴) عاشق وصال یافته، به عزت و ذلت بی‌اعتناست.

۱۵۹- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): غفلت «زاهد»، بسنده کردن او به ظواهر امور و بی‌نصیب ماندنش از حقیقت مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: وصال باعث از خودبی‌خودی‌ست.

۱۶۰- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): ناچیزی و ناتوانی عاشق در برابر معشوق مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: عشق سبب ارزشمندی انسان می‌شود.

۱۶۱- (۴) جناس (ناقص): زرد، زر / استعاره: مس (استعاره از وجود بی‌ارزش)، زر (استعاره از وجود ارزشمند) / کنایه: «سرخ‌رویی» کنایه از «شادابی»، و «زردرویی» کنایه از «بیماری یا عاشقی» / تشبیه (اضافه‌ی تشبیه‌ی): اکسیر عشق

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

- (۱) استعاره (اضافه‌ی استعاری): جیب قناعت (قناعت مانند جامه‌ای پنداشته شده که جیب (گریبان) بخشی از آن است) / کنایه: «سر به جیب چیزی فروبردن» کنایه از دمساز شدن با آن، و «به چاه چیزی فرورفتن» کنایه از گرفتار شدن در آن / تشبیه (اضافه‌ی تشبیه‌ی): چاه مذلت
- (۲) کنایه: مصراع دوم کنایه از اقامت موقت / تشبیه (اضافه‌ی تشبیه‌ی): خانه‌ی دنیا: خانه‌ی دنیا [مانند] مهمان‌سراست.
- (۳) هیچ‌یک از آرایه‌های مورد سؤال را ندارد.

۱۶۲- (۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۱): افزایش اشتیاق به معشوق در اثر دیدار وی

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۲) گدازندگی و دردآور بودن هجران بار
  - (۳) همه‌ی وجود عاشق در حال ثنا و ستایش معشوق است.
  - (۴) عاشق تنها در پی معشوق است / گوشه‌گیری عاشقانه
- ۱۶۳- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): اختیاری بودن عشق مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: از عشق گریزی نیست.

۱۶۴- (۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): طلب توجه و عنایت از معشوق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) ناتوانی عاشق در برابر قدرت معشوق
  - (۲) خوش‌باشی / ناپایداری قدرت
  - (۴) خوش‌باشی و ناتوانی انسان در برابر روزگار
- ۱۶۵- (۱) مسم: مس من

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

- (۲) دل ز غم هر دو جهانم: دلیم ز غم هر دو جهان
- (۳) زمانه به دست تو دادم کلید: زمانه به دست تو داد کلیدم [را]
- (۴) مهرم به جان رسید: مهر به جانم رسید

۱۵۰- (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): بی‌خبری عاشقانه مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) طلب ترحم و دستگیری عاشق از معشوق
  - (۲) هر نشانه و خبری از معشوق موجب رفع غم از وجود عاشق است.
  - (۳) بی‌توجهی عاشق به ملامت سرزنشگران
- ۱۵۱- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): اختیاری بودن عشق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) عاشق ابتدا معشوق را دل‌داده‌ی خود می‌کند و سپس به او دل می‌دهد! / خودشیفتگی عاشق / عشق دوطرفه
- (۲) دل خوشی عاشق به التفات و توجه معشوق
- (۴) لذت عاشقی بیش از لذت معشوق بودن است!

۱۵۲- (۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۱): دیدار معشوق موجب بی‌قراری‌ست.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۲) تسلیم بودن عاشق در برابر معشوق
- (۳) تحمل دشواری‌های راه عشق
- (۴) داغ عاشقی مایه‌ی افتخار عاشق است.

۱۵۳- (۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): امیدواری عاشق به وصال معشوق تادم مرگ مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: وصال سبب افزایش اشتیاق عاشق است.

۱۵۴- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱): عاشق به اختیار خود عاشق می‌شود. / عشق اختیاری

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: عاشق در عشق اختیاری از خود ندارد. / عشق بی‌اختیار

۱۵۵- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): لطف معشوق باعث ارزشمندی عاشق است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) قناعت
  - (۲) دشوار بودن صبر و تحمل
  - (۴) پرهیز از قضاوت ظاهری درباره‌ی تهی‌دستان و پرهیز از ترک معاشرت با آنان
- ۱۵۶- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): محو معشوق بودن؛ توجه به معشوق با همه‌ی وجود

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) متغیر بودن احوال عاشق
- (۳) شرح زیبایی معشوق
- (۴) از خود بی‌خودی عاشق

دقت کنیم! در بیت سؤال، شاعر، خودش از درک زیبایی‌های معشوق لذت می‌برد، اما در گزینه‌ی (۳)، زیبایی او را برای دیگران بیان می‌کند.

۱۵۷- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): عشق موجب کمال، پیشرفت، ارزشمندی، رشد و تعالی‌ست.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) دیدار بار سبب افزایش اشتیاق و بی‌تابی‌ست.
- (۳) بی‌قراری دائمی در دوری از معشوق
- (۴) بی‌قراری و طلب یار با همه‌ی وجود (سراز پانشناختن در راه رسیدن به معشوق)